



مقایسه ممنوع

شاید اگر پیش از ازدواج مجدد، از فراموشی زندگی قبلی حرف زده شود، همه آن را از یاد بردن زندگی قبلی معنا کنند و تصور کنند اصلاً آدمی چرا باید بخشی از زندگی‌اش را فراموش کند؟ برخی‌ها فکر می‌کنند می‌توانند خاطرات شیرینش را در ذهنشان بسپارند و از بدی‌هایش درس بگیرند اما واقعاً همه آنها از گرفتار شدن در تله مقایسه خاطر جمع هستند؟

افضلی معتقد است نکند به خاطر فراموش نکردن خاطرات، مدام ویژگی‌های خوب یا بد شریک زندگی قبلی را با شریک زندگی جدید مقایسه کنیم؟ «در واقع باید از زندگی قبلی به طور کامل دل کند و قبول کنیم که زندگی پیش رو، تقریباً هیچ وجه اشتراکی با روزهای گذشته من ندارد و من باید فرد کاملاً جدید و در شرایط جدید روبه‌رو هستم.»

پس تلخی‌ها و شیرینی‌هایی که با همسر قبلی داشته‌ایم را نباید به همسر فعلی تعمیم بدهیم که این کار بدون شک دردسراًفرین خواهد شد؛ شاید چون هیچ‌کدام از این مقایسه‌ها به آن سرانجامی که باب میل فرد است نخواهد رسید و همین باعث تردید در تصمیمی که گرفته است می‌شود.

قضاوت بی‌قضاوت

بدون قضاوت و هیچ پیش‌زمینه‌ای وارد زندگی جدید شوید. «ماجرای این است که ازدواج ناموفق را نباید یک ضعف بزرگ برای زندگی آدم‌ها بدانیم که اگر این کار را نکنیم، با کوهی از قضاوت وارد زندگی جدید می‌شویم.

در واقع همانقدر که فردی که در ازدواج اولش شکست خورده و در آستانه ازدواج مجدد است، خودش را محق می‌داند و احتمالاً هیچ ایرادی را از سمت خودش نمی‌پذیرد، طرف مقابل هم همین‌طور است. پس برای این‌که بدون قضاوت کردن از چرایی ماجرا و نگاه شاید بدبینانه به زندگی وارد بشویم، بهتر است آن ریشه‌یابی شکست را جدی گرفت تا دیگر به این مرحله

هدف دار باشید

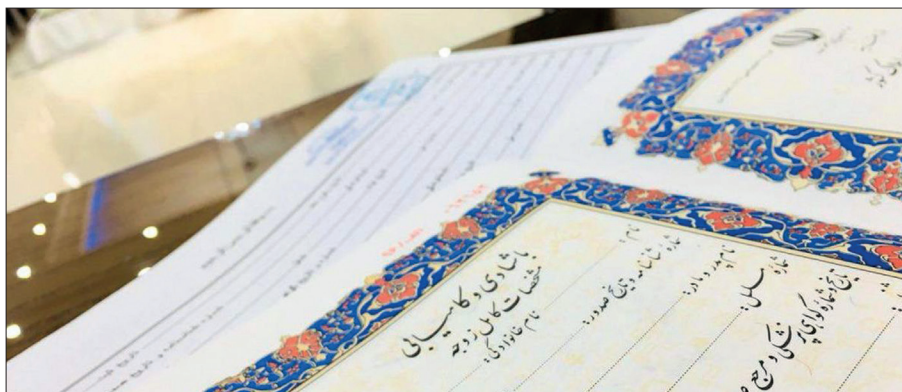
ازدواج دوم کمی از احساسات دور است و تقریباً برای رسیدن به هدفی انجام می‌شود. آن هدف گاهی آرامشی است که در زندگی گذشته وجود نداشته یا نداشته و نیازش دوباره حس شده، گاهی تمایل به داشتن فرزند است، گاهی رسیدن به یک جایگاه مالی خوب، گاهی برای التیام جای خالی نفر قبلی و هزاران دلیل موجه و غیرموجه دیگری که می‌تواند وجود داشته

به دنبال جبران نباشید

اگر در زندگی قبلی خیلی اذیت شده‌اید، با نگاه این‌که حالا همه چیز را جبران می‌کنم و یک زندگی ایده‌آل خواهم داشت وارد زندگی دوباره‌ای نشوید. شاید چون ممکن است این زندگی هم مثل خیلی از زندگی‌های دیگر معمولی باشد و شما را به آن حد از کمال‌طلبی‌تان که در نتیجه تفکر ذهنی شما برای جبران روزها و سال‌های گذشته است نرساند. به قول خانم افضلی: «در واقع بپذیرید فرد جدید هم قطعا ایراداتی دارد؛ مثل همه آدم‌ها و قرار نیست این با همه فرق داشته باشد.» اما احتمالاً این بار توانایی

مشورت کنید

اگر فکر می‌کنید در مهارت‌های ارتباطی ضعیف هستید، اگر هنوز به نتیجه قاطعی برای تصمیم به ازدواج مجدد نرسیده‌اید و اگر در احساسات‌تان دچار تردید هستید، بدون شک با همراهی یک مشاور مرحله به مرحله در تصمیم‌تان موفق‌تر خواهید بود. مدیریت احساسات، شروع ارتباطی دوباره و حل کردن مشکلات گذشته، نیازهایی است که گاهی بدون همفکری و مشورت از هر کسی در قالب مشاور، امکان‌پذیر نیست. ضمن این‌که احتمال موفقیت در تصمیم پیش‌رو را هم بالا می‌برد. در واقع مشورت کردن و مشاوره گرفتن از افراد آگاه، ترس‌ها و نگرانی‌های از گذشته و آینده را برطرف خواهد کرد و شروع یک زندگی بدون دلهره و با اطمینان خاطر را برایتان به ارمغان خواهد آورد.



آمادگی همه‌جانبه

زمان فعلی، چقدر از لحاظ روحی برای شروع زندگی مشترکی دوباره آماده هستید؟ این بزرگترین سوالی است که باید از خودتان بپرسید و اتفاقاً برایش هم جواب روشنی داشته باشید: «مثلاً این‌که می‌توانید محبتی که از زندگی قبلی همراهمان را در کنار بگذارید و به فرد دیگری محبت کنید؟ از طرف دیگر، در صورت جدایی در ازدواج قبلی، می‌توانید خشم و یا شاید بدبینی که از تجربه قبلی همراهمان شده است را وارد زندگی جدید نکنید و با ذهنیتی سفید دوباره شروع کنید؟

در واقع هر وقت چنین توانایی‌ها و آمادگی‌هایی را در خودتان دیدید، آن وقت به تصمیم بزرگی مثل ازدواج مجدد فکر کنید.» ضمن این‌که در چنین تصمیمی، نه تنها خود فردی که تصمیم به ازدواج مجدد دارد که حتی خانواده‌اش هم باید برای این اتفاق آمادگی کامل داشته باشند. ازدواج مجدد به دلیل از دست رفتن زندگی قبلی در نگاه متفاوت‌تری قرار می‌گیرد و همه چیز مثل دفعه پیش نیست؛ در واقع حساسیت خانواده روی آن بیشتر است و بهتر است از همه نظر آن را با خانواده‌تان هم در میان بگذارید تا آن‌ها هم آماده پذیرش فرد و افراد (در صورت داشتن بچه) جدید باشند.

نرسیم که بگوییم پس حتماً به دلیل همین اخلاقش بوده است که همسرش با او زندگی نکرده و من هم دچار همین مشکل خواهم شد. شاید مشکلی که برای آنها دردسرساز شده بود، برای فرد دیگری در قالب مشکل شکل نگیرد و آنها هر دو با وجود داشتن ویژگی‌های مثبت، زوج مناسبی در کنار هم نبودند؛ به همین سادگی. ضمن این‌که چنین مسائلی برای آن دسته از زوج‌هایی بیشتر رخ می‌دهد که یکی از طرفین پیش از آن ازدواج نکرده است. پس اگر قرار است با کسی که تجربه قبلی ازدواج نداشته است، وارد زندگی مشترک شوید، سعی کنید ذهنش را از بدبینی‌های موجود در جامعه نسبت به ازدواج مجدد پاک کنید؛ آن هم نه با حرف بلکه با عمل.

باشد. پس با خودتان روراست باشید و در درونتان به یک صلح درونی برای تصمیم به ازدواج مجدد برسید و بعد وارد رابطه جدیدی بشوید.

آن وقت است که می‌توانید در انتخاب طرف مقابلتان هوشمندانه‌تر عمل کنید و از انتخاب و تصمیمتان راضی باشید؛ طبیعتاً در آینده هم خیلی راحت‌تر با مشکلات احتمالی زندگی پیش‌رو کنار خواهید آمد و آن را می‌پذیرید.

شما در حل مساله تغییر کرده است و بهتر با آن کنار خواهید آمد. این‌طور نباشد که حالا و در ازدواج دوم، معیارهای عجیب و غریبی برای خودتان بچینید و تحمل کوچک‌ترین عیب و نقصی از طرف مقابل نداشته باشید که تقریباً چنین چیزی غیرممکن است و باعث به وجود آمدن اختلافات متعددی خواهد شد. پس به هوای جبران روزهای گذشته وارد زندگی جدید نشوید که این هدف اشتباه‌تان، توانایی این را دارد که امروز را برایتان تلخ‌تر از دیروز بکند. پس بهتر است در معیارهایتان یک تجدید نظر اساسی بکنید.